

بررسی تطبیقی جایگاه ارتباطی خاورمیانه شمالی با آسیای مرکزی

در مقایسه با سایر حوزه‌های خاورمیانه

ابراهیم عباسی*

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شیراز

بهاره پورجم

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شیراز

علی ماندگار

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۱ - تاریخ تصویب ۱۳۹۴/۰۷/۲۱)

چکیده

خاورمیانه شمالی مفهومی ژئوپلیتیکی است که با تحولات جدید، امکان ظهور آن در بخشی از خاورمیانه فراهم آمده است. این بررسی تلاشی است برای بررسی شاخص‌های ارتباطی این حوزه (خوشه) از خاورمیانه با آسیای مرکزی در مقایسه با سایر حوزه‌ها و ترسیم چگالی ارتباطی و شبکه‌سازی درونی و فراشبکه‌ای آن در خاورمیانه. بدین‌سان در پاسخ به پرسش چگونگی ارتباطات امنیتی و اقتصادی خاورمیانه شمالی (ایران، ترکیه، عراق، افغانستان و پاکستان)، فرض مهم، آن است که این خوشه جدید، گسترده‌ترین ارتباطات درون‌شبکه‌ای را در خاورمیانه عرضه می‌کند. بیشترین ارتباطات درون‌منطقه‌ای آن با آسیای مرکزی در حوزه ژئوپلیتیکی و برخی از شاخص‌های ژئواکونومیکی و در مرتبه بعد با شورای همکاری خلیج فارس در شاخص ژئواکونومیکی است. این ارتباطات در قالب عناصر درون‌شبکه‌ای (چگالی ارتباطات تجاری بین خوشه‌ای، پیمان‌های حقوقی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی، ارتباطات حمل‌ونقل) شاخص‌بندی می‌شود. هدف، نشان دادن اهمیت تغییر در نگاه به سازه‌های خاورمیانه برای سیاست خارجی ایران است.

کلیدواژه‌ها

آسیای مرکزی، ایران، چگالی ارتباطاتی، خاورمیانه شمالی، نظریه شبکه.

* Email: e.abbassi.ir@gmail.com

مقدمه

گرایش‌های جدید در سیاست جهانی، اقتصاد بین‌الملل و تغییرات در سیاست‌های منطقه‌ای، محیط جدیدی در منطقه خاورمیانه ایجاد کرده است. با این تحولات باید به تعریف سازه‌های نوینی در شبکه خاورمیانه اقدام کرد؛ سازه‌هایی که از نظر متغیرهای درونی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با تقسیم‌بندی‌های پیشین متفاوت‌اند. با وجود تحولات بنیادی در ساختار مناطق در مطالعات منطقه‌ای و به شکل ظاهری در مرزبندی‌های این مناطق، هنوز مطالعات خاورمیانه بر مدار تقسیم‌بندی‌های جنگ سرد می‌چرخد. این نوشتار مدعی تغییر در مرزبندی‌های خاورمیانه و تأکید بر چگالی ارتباطات امنیتی و اقتصادی در این تغییر است. بنابراین به نظر می‌رسد که خوشه جدیدی در خاورمیانه به نام خاورمیانه شمالی^۱ با حضور کشورهای ایران، ترکیه، عراق، افغانستان و پاکستان شکل گرفته است.

سابقه تاریخی این مفهوم به نیمه نخست قرن بیستم بازمی‌گردد (Fuller, 1998: 239-250)؛ ولی پس از آن به شدت به چالش کشیده شد. تحولات امروزی باز هم زمینه را برای بازتعریف این مفهوم فراهم کرده است. در پاسخ به پرسش اصلی چگونگی ارتباطات امنیتی (ژئوپلیتیکی) و اقتصادی (ژئواکونومیکی) خاورمیانه شمالی با آسیای مرکزی در مقایسه با سایر خوشه‌های خاورمیانه، فرض اصلی آن است که در بررسی تطبیقی شاخص‌های امنیتی و اقتصادی، این خوشه جدید بیشترین ارتباطات درون‌شبکه‌ای را در خاورمیانه عرضه می‌کند. بیشترین ارتباطات

۱. خاورمیانه شمالی مفهوم جدیدی است که این نوشتار ارتباطات امنیتی و اقتصادی آن را با سایر حوزه‌های خاورمیانه به بحث می‌گذارد. از آنجا که این سازه جدید و دلایل شکل‌گیری آن بیشتر در نوشتاری بررسی شده (Abbasi, 2014: 128)، در این نوشتار ارتباطات درون‌شبکه و برون‌شبکه‌ای آن با آسیای مرکزی به بحث گذاشته می‌شود. هرچند این موضوع در ابتدا نوعی بدعت به نظر می‌رسد؛ ولی فکر بررسی آن از کتاب ژئوپلیتیک نظام جهانی سائول کوهن (تقسیم خاورمیانه به سه حوزه کوهستانی شمالی، میانی و بیابانی جنوبی)، کتاب مهم قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران (مفهوم خاورمیانه شمالی یک مفهوم به شدت ژئوپلیتیکی است) و نوشتار مهم عثمان اوزلیب در نشریه سیاست ترکیه که به تقسیم‌بندی تعاریف خاورمیانه توسط نویسندگان مختلف پرداخته و تأثیر تحولات منطقه‌ای و جهانی را در گسترش این مفهوم از منظر جغرافیایی نشان داده، به دست آمده است. بررسی سدساله تاریخ روابط خارجی این پنج کشور، حضور آن‌ها در پیمان‌های امنیتی و اقتصادی متعدد و تحولات سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ در افغانستان و عراق نیز نشان از احیای آن دارد.

درون منطقه‌ای آن در حوزه ژئوپلیتیکی و برخی شاخص‌های ژئواکونومیکی با آسیای مرکزی و در مرتبه بعد با شورای همکاری خلیج فارس است. برای شبکه‌سازی بیشتر با چین و آسیای جنوبی یا شبه‌قاره، ارتباطات فرامنطقه‌ای دارد.

این مطالعه در مسیر پژوهش خود با روش علی - تبیینی از الگوی نظری شبکه، برای تعریف ارتباطات سیال درون‌شبکه‌ای این حوزه از خاورمیانه بهره می‌برد و منابع اطلاعاتی خود را با تحلیل محتوای آمارهای تجاری، حمل‌ونقل و امنیتی از کتابخانه‌ها و سایت‌های داخلی و خارجی به دست می‌آورد. کشورهایی مانند ایران، ترکیه، پاکستان، عراق و افغانستان (مراکز پیشین امپراتوری‌های پارس، عثمانی و مغول) در بخشی از تاریخ خود در سطح منطقه با بهره‌گیری از جنگ سرد توانستند به خط مقدم در برابر تهدیدهای اتحاد شوروی تبدیل شوند و قوانین ژئوپلیتیکی خود را بر این اساس پی‌ریزی کنند. اما آیا در درازمدت نیز یک نظام ژئوپلیتیکی جدید مشترک را پی‌ریزی خواهند کرد؟ به هر حال به گفته دوکرديه، بی‌شک نمی‌توان راه حلی معجزه‌آسا از این کشورها سراغ گرفت؛ بلکه برعکس چنانچه دو طرف در مشکلی سهیم باشند مانند آن است که آن را بین خود تقسیم کرده‌اند (Dvkrdyh, 1998: 161-162). به نظر می‌رسد که این نظم ژئوپلیتیکی با تبدیل شدن به نظمی ژئواکونومیکی در حال استمرار باشد؛ موضوعی که ادعای اصلی این نوشتار است.

مبانی نظری: نگرش شبکه‌ای و شبکه‌سازی خاورمیانه شمالی

نظریه‌های مختلفی مانند منطقه‌گرایی هژمونیک، ژئوپلیتیک، سیستم تابعه، مجموعه امنیتی، جامعه امنیتی و موارد دیگری برای تبیین حوزه مطالعات منطقه‌ای ارائه شده‌اند (Ghasemi, 2011: 129). اما در حال حاضر سازه‌های منطقه‌ای سیستم بین‌الملل، در حال تغییرند. با تغییرات در نظام بین‌الملل نوین، نظام ارتباط محور، جایگزین نظام جغرافیا محور شده است. با اهمیت یافتن ارتباطات، نقش قدرت خارجی در تعریف مناطق و تحمیل شکل‌بندی منطقه‌ای یکسان بر نظام بین‌المللی کاهش می‌یابد و مناطق، بیشتر از منظر درونی تعریف خواهند شد. به عبارتی سایر واحدها نیز توان تعریف مناطق را خواهند داشت (Ghasemi, 2011: 143-150). در همین زمینه شبکه منطقه‌ای، جایگزین مفاهیم کلاسیک منطقه شده است.

نظریه شبکه از جمله نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل است که در مکتب واقع‌گرایی قرار می‌گیرد. مکتب واقع‌گرایی در فهم روابط بین‌الملل جایگاه مهمی به دست آورده است و

در روند نظریه‌پردازی توانسته با حفظ اصول اساسی خود به نظریه‌های مختلفی (واقع‌گرایی کلاسیک، واقع‌گرایی ساختاری و غیره) تبدیل شود. نظریه شبکه نیز در چارچوب این مکتب و با حفظ انگاره‌های اساسی آن یک دهه است که در صحنه روابط بین‌الملل و پیچیدگی‌های آن، به‌ویژه اثر پروانه‌ای حاکم بر آن جایگاه مناسبی به‌دست آورده و جایگزین ژئوپلیتیک شده است. شبکه، ارتباط بین مجموعه یا مجموعه‌هایی از گره‌ها را با مجموعه یا مجموعه‌های دیگر مطالعه می‌کند. براساس این اصل، شبکه منطقه‌ای از خوشه‌های متمایز تشکیل شده است. برای نمونه، خوشه‌های متمایزی مانند خوشه غربی، شامات و خلیج فارس در خاورمیانه به‌عنوان یک شبکه منطقه‌ای وجود دارد که البته با در نظر گرفتن مفهوم شبکه حتی به جنوب غربی آسیا و آسیای مرکزی و قفقاز نیز به‌عنوان خوشه‌های جدید گسترش می‌یابد (Ghasemi, 2011: 147 و Wasserman & Faust, 1994 : 16 و Doak & Nikos, 2007: 215).

تجزیه و تحلیل شبکه‌ای، مجموعه‌ای از اقدامات تحلیلی است که شرح منظم نظام روابط متقابل و روابط میان واحدها را امکان‌پذیر می‌کند. در برخی سطوح نظام، روابط کلی متقابل را نشان می‌دهد، در سطوح دیگر توصیف نظام‌های فرعی و تابعه را امکان‌پذیر می‌کند و در برخی سطوح نیز مقایسه گروه‌های فرعی موجود در سیستم را نشان می‌دهد (Hafner-burton, 2009: 9). مرزبندی درونی شبکه عبارتند از حلقه^۱، گره^۲ و خوشه^۳ که مبنای تقسیم‌بندی آن، ارتباطات است. نوع رابطه این سازه‌ها، گونه‌بندی خاصی به شبکه می‌بخشد. قطب‌ها و محورهای شبکه، واحدهایی هستند که بیشترین جریان ارتباطی از آن عبور می‌کند. نگرش شبکه بر این باور است که هر واحد، حلقه و خوشه در میان سه شبکه ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی قرار گرفته است. هریک از آن‌ها به‌دلیل ویژگی‌هایش از جمله به‌هم‌پیوستگی، انسجام گروهی و پیوند بین حلقه‌ها، شمار و گستره ارتباط بین واحدهای شبکه، تخصصی بودن و حالت ارتجاع و انعطافی شبکه بر نوع دیپلماسی کشورها تأثیر می‌گذارد (Abbasi, 2014: 122). فرهاد قاسمی دینامیک‌های درون‌شبکه‌ای و تشکیل گره‌ها و خوشه‌ها را به‌خوبی توضیح داده است (Ghasemi, 2011: 153).

هم‌اکنون ادبیات سیاسی با نگاه به خاورمیانه، امکان همگرایی‌های سیاسی و اقتصادی را

-
1. Node
 2. Loop
 3. Cluster

در آن ناممکن می‌دانند. آن‌ها همگرایی درون منطقه‌ای را پایین و تا حد زیادی به تأثیر فراگیر چرخه قیمت نفت محدود می‌کنند (Hakimian, 2005: 151). نظریه شبکه امکان همگرایی را در درون حوزه‌های یک منطقه با یکدیگر یا حتی خارج از آن منطقه در صورت داشتن دینامیک‌های درونی ممکن می‌داند. بنابر این نظریه، خاورمیانه از نوع شبکه منطقه‌ای بدون معیار است که کانون‌های منطقه‌ای در آن شکل گرفته‌اند؛ اما هنوز به مرحله ساماندهی کامل نرسیده‌اند. بنابراین همچنان قانون توزیع قدرت بر آن‌ها حاکم است. بدین‌سان باید امکان همگرایی را در درون شبکه گسترده و ناهمگون خاورمیانه و نهاد و درپی برجسته‌سازی خوشه‌های درون منطقه‌ای آن با دیگر شبکه‌ها بود؛ موضوعی که این نوشتار دنبال می‌کند.

خاورمیانه شمالی: خوشه‌ای جدید در خاورمیانه

دوباره گستره و مرزهای جغرافیایی منطقه‌ای که از حدود یک سده پیش با عنوان خاورمیانه از آن یاد می‌شود، تعریف یگانه و فراگیری وجود ندارد. تاریخ‌نگاران، روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه‌های همگانی، بر خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن به‌عنوان مرکز خاورمیانه اتفاق نظر دارند. خاورمیانه همواره براساس منافع غرب، گسترش پیدا کرده است. پس از رویداد یازدهم سپتامبر، خاورمیانه بزرگ شامل مجموعه کشورهای با یک پیوستگی جغرافیایی که اسلام وجه مشترک آن‌هاست مطرح شد. خاورمیانه بزرگ از دیدگاه آمریکا پنج زیرمجموعه دارد (8: Shirazi, 2011): غرب مدیترانه (الجزایر، لیبی، موریتانی، مراکش و تونس)، شرق مدیترانه (قبرس، مصر، اسرائیل، اردن، لبنان، سوریه و ترکیه)، خلیج فارس (کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران، عراق و یمن)، جنوب آسیا (افغانستان و پاکستان) و آسیای مرکزی و قفقاز (ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان). عثمان نوری اوزلپ، در مقاله مهمی با عنوان «خاورمیانه کجاست؟ تعریف و طبقه‌بندی خاورمیانه به‌عنوان یک زیرسیستم منطقه‌ای در روابط بین‌الملل» به جمع‌بندی تعریف‌ها و بررسی تحولات جدید در تعریف دوباره از خاورمیانه پرداخته است (19: Nuri Özalp, 2011). کوهن، خاورمیانه را به سه منطقه از شرق به غرب قابل تقسیم می‌داند: کوهستانی شمالی، میانی و بیابانی جنوبی. هریک از این مناطق ویژگی‌های فیزیکی متمایزی دارند که بر توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها تأثیر داشته است (668: Cohen, 2009). جفری کمپ می‌گوید: «خاورمیانه بزرگ، نوار جغرافیایی بزرگی از شمال آفریقا تا آسیای مرکزی، قفقاز، شرق و خلیج فارس را پوشش می‌دهد» (71: Kemp, 2005).

باتوجه به تعریف‌های یادشده اصطلاح خاورمیانه، مفهومی نیست که ریشه در جغرافیای طبیعی داشته باشد، به‌گونه‌ای که مرزهای طبیعی، این منطقه را از همسایگانش در آسیا و آفریقا جدا کند؛ بلکه خاورمیانه مفهومی تاریخی، انسانی، جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است (Nuri Özalp, 2011: 19). به‌نظر می‌رسد، منطقه‌ای که خاورمیانه نامیده شده است از نظر گسترش قلمرو، سه مرحله را پشت‌سر گذاشته باشد:

- واژه خاورمیانه تنها بر حوزه خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن گفته می‌شده است. چنان‌که آلفرد ماهان نیز از منطقه خاورمیانه همین مفهوم را بیان کرده بود؛
- هنگامی‌که مفهوم خاورمیانه وارد ادبیات سیاسی انگلستان می‌شود و لرد کرزن، از آن استفاده می‌کند، گستره خاورمیانه به‌سوی مشرق یعنی سرزمین‌های تحت استعمار بریتانیا، در شبه قاره هند و افغانستان کشیده می‌شود؛
- پس از جنگ جهانی اول و در طول جنگ جهانی دوم، با نامیده‌شدن ستاد فرماندهی جنگ قاهره به «ستاد فرماندهی خاورمیانه» افزون بر غرب آسیا، شمال آفریقا نیز وارد گستره خاورمیانه شد؛
- افغانستان و پاکستان، در مرزهای شرقی ایران قرار دارند؛ اگرچه منافع اصلی آن‌ها بر جوانب دیگری متمرکز است؛ اما گاهی دربرگیری آن‌ها در رژیم خاورمیانه، پیشنهاد می‌شود.

با تحولات جدید، این تقسیم‌بندی‌ها در حال تغییر است و مبنای آن ارتباطات سیاسی و اقتصادی است که وابستگی‌ها و حساسیت‌های امنیتی را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب با تصور خاورمیانه به‌عنوان یک شبکه منطقه‌ای، خوشه‌های موجود در این شبکه را می‌توان شامل خوشه‌های خلیج فارس، شامات، شمال آفریقا، آسیای مرکزی، قفقاز، شبه‌قاره و همچنین خوشه نوین خاورمیانه شمالی دانست. حوزه خاورمیانه شمالی شامل کوهستان‌های بلند، دره‌های پیچیده و زلزله‌خیزی است که بخشی از سیستم آلپ-هممالیا بوده و فلات بلند داخلی را دربر گرفته است. ترکیه و ایران، افغانستان و عراق در این منطقه قرار دارند (Cohen, 2009: 672). ارتباطات فرهنگی و قومی و مسائل منطقه‌ای، پاکستان را نیز بیشتر با این حوزه هم‌سو کرده است. این کشورها از نظر ژئوپلیتیکی در میان آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و خاورمیانه قرار دارند. بدین‌سان ایجاد چارچوب ژئوپلیتیکی که این حوزه را بهم پیوند دهد، می‌تواند هدفی

واقع بینانه باشد. این حوزه با سایر حوزه‌های خاورمیانه تفاوت زیادی دارد. بسیار بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر است. صدها سال تاریخ مشترکی از روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. تجارت درون منطقه‌ای این حوزه از خاورمیانه بسیار بیشتر از سایر حوزه‌هاست و از نظر تاریخی نیز در همکاری با یکدیگر و شکل دهی به یک زیرمنطقه در خاورمیانه نسبت به سایر حوزه‌ها تقدم تاریخی دارند. این ویژگی‌های مشابه سبب شد تا این حوزه برای نخستین بار در پیمان سعدآباد، نخستین رژیم امنیت دسته‌جمعی را بین خود ایجاد کند.

شایان توجه اینکه، شاهد توزیع نامتوازن قدرت در درون این خوشه برعکس دیگر خوشه‌های خاورمیانه نیستیم. در این خوشه قدرت‌های درجه دوم جهانی قرار گرفته‌اند و نسبت به یکدیگر (به جز پاکستان و افغانستان) معمای امنیت ندارند. آن‌ها از اقتصاد موازی نیز برخوردار نیستند. مشکل بزرگ این خوشه، حساسیت قدرت مداخله‌گر بر این منطقه و تلاش در واگرایی آن‌هاست. متغیرهای داخلی (ثبات، نوسازی، مردم‌سالاری‌سازی، نوع نظام سیاسی) و درون خوشه‌ای (هویت مشترک شناختی و تاریخی، پیمان‌های منطقه‌ای دوجانبه و چندجانبه، بحران‌های مشترک ناشی از تهدیدهای قومی، مهاجرت و بنیادگرایی اسلامی، اقتصادهای مکمل درون منطقه‌ای) سبب اهمیت خاورمیانه شمالی شده است. جدول ۱ برخی از شاخص‌های درون خوشه‌ای خاورمیانه شمالی را در حوزه اقتصادی نشان می‌دهد (Abbasi, 2014: 150).

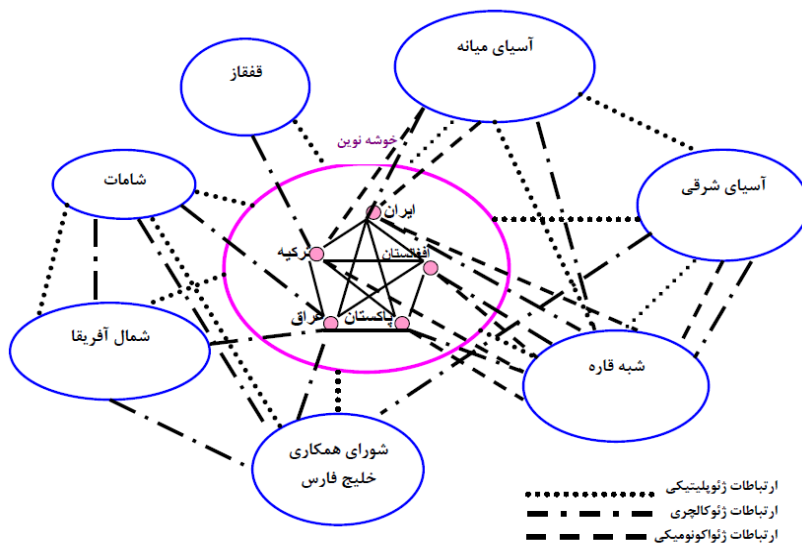
جدول ۱. حجم مبادلات تجاری بین کشورهای خاورمیانه شمالی (چگالی درون خوشه‌ای) در سال (بر حسب دلار)

کشور	جهان	ترکیه	ایران	پاکستان	عراق	افغانستان
ترکیه	۳۵۰,۷۳۹,۹۱۶,۰۷۷		۱۰,۶۸۷,۷۳۹,۰۰۰	۹۹۷,۹۵۷,۰۰۰	۷,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۶۴,۸۷۵,۰۰۰
ایران	۱۴۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰,۶۸۷,۷۳۹,۰۰۰		۱,۴۴۲,۸۹۷,۷۷۰	۴,۹۳۶,۳۹۸,۰۰۰	۱,۳۴۲,۳۱۶,۰۰۰
پاکستان	۵۷,۱۵۹,۸۶۷,۰۲۲	۹۹۷,۹۵۷,۰۰۰	۱,۴۴۲,۸۹۷,۷۷۰		۱۲۸,۴۲۰	۱,۸۷۵,۱۷۴,۰۰۰
عراق	۵۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۷,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۹۳۶,۳۹۸,۰۰۰	۱۲۸,۴۲۰		۱۸,۰۰۰,۰۰۰
افغانستان	۱۱,۶۵۵,۹۶۱,۶۵۹	۲۶۴,۸۷۵,۰۰۰	۱,۳۴۲,۳۱۶,۰۰۰	۱,۸۷۵,۱۷۴,۰۰۰	۱۸,۰۰۰,۰۰۰	
خاورمیانه شمالی	۶۲۴,۵۵۵,۷۴۴,۷۵۸	۱۹,۳۳۰,۵۷۱,۰۰۰	۱۸,۳۹۹,۳۳۲,۷۷۰	۴,۳۱۶,۰۲۸,۷۷۰	۱۲,۳۲۴,۳۹۸,۰۰۰	۳,۵۰۰,۳۶۵,۰۰۰
خاورمیانه	۲,۱۷۹,۲۲۰,۴۱۹,۶۷۸					
درصد تجارت درون منطقه ای	۲۸,۶۵	۵,۵	۱۲,۳۷	۷,۵	۲۱,۶۲	۳۰,۰۳

www.worldbank.org/data: (Accessed on: 5/11/2013)
 www.trademap.org/export & Import:(Accessed on: 5/11/2013)
 http://www.world-fact-book,current economy profile (Accessed on: 5/10/2015)

قطبیت خاورمیانه شمالی در درون شبکه خاورمیانه

برای ترسیم شبکه راهبردی خاورمیانه شمالی، با مبنا قراردادن چگالی ارتباطی و وجود حلقه‌های پیوندی، باید جایگاه آن را براساس شبکه‌های پیوندی مشخص کرد. شبکه خاورمیانه شمالی به خاورمیانه محدود نشده است و سایر مناطق را هم دربر می‌گیرد. این حوزه سه شبکه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری دارد که مرکزیت میانی آن را در خاورمیانه فراهم آورده است. قطبیت این حوزه را در شکل ۱ می‌توان نشان داد:



شکل ۱. مرکزیت خاورمیانه شمالی

الف) شبکه ژئوپلیتیکی خاورمیانه شمالی و آسیای مرکزی در مقایسه با سایر خوشه‌ها خوشه‌های مختلف شبکه خاورمیانه بر مبنای چگالی ارتباطات با خاورمیانه شمالی به ترتیب عبارتند از: آسیای مرکزی، شورای همکاری خلیج فارس، قفقاز و در خارج از منطقه شبه‌قاره و آسیای شرقی. یکی از خوشه‌های مرتبط با خاورمیانه شمالی، خلیج فارس است. سیستم تابعه خلیج فارس از دو بخش مرکز و پیرامون تشکیل شده است. بخش مرکزی سیستم متشکل از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستند که انسجام سازمانی آن‌ها را از بخش دیگر متمایز می‌کند. ایران و عراق نیز جزء زیرسیستم خلیج فارس هستند که به بخش پیرامون

سیستم تابعه خلیج فارس تبدیل شده‌اند؛ هرچند، درجه اثرگذاری آن‌ها بر نظم منطقه‌ای بسیار بالاست (55-53: 2007, Ghasemi & Salehi). حوزه جنوبی خلیج فارس با دیدگاه‌های خاص نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای پیوند خورده و الگوی پیچیده‌ای از رقابت و همگرایی را شکل داده است. این حلقه معمای امنیت دارد و نقش حساس آن در تولید انرژی در نظام بین‌الملل سبب دخالت قدرت‌های بزرگ و فشارهای سیستمی شده است. این موضوع تاکنون، رابطه همراه با رقابت را با خاورمیانه شمالی به‌ویژه ایران و عراق به‌وجود آورده است. از نظر امنیتی، این حوزه کشش زیادی برای ارتباط با خاورمیانه شمالی ندارد؛ هرچند از نظر اقتصادی بیشترین ارتباطات را ارائه می‌کند.

در این نوشتار، خاورمیانه شرقی (افغانستان و پاکستان) به‌سبب شباهت‌های ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی در پیوند با خاورمیانه شمالی شمرده شده است و تاریخ روابط خارجی آن‌ها نیز از این موضوع حکایت دارد. این کشورها ارتباط‌دهنده خاورمیانه شمالی با هند و چین هستند. پاکستان با هند مرزهای طولانی دارد. افغانستان نیز حلقه پیوندی خاورمیانه شمالی با هند و آسیای شرقی است. برای کشورهای خاورمیانه شمالی در این منطقه بحران‌ها و فرصت‌هایی وجود دارد.

قفقاز در مرز شمالی خاورمیانه شمالی است. این منطقه، منابع غنی انرژی و جایگاه بالای سیاسی دارد. این خوشه نیز برای خاورمیانه شمالی در تنوع‌بخشی به مسیر انرژی و تجارت آن‌ها جایگاه مهمی دارد و برای برخی از کشورهای خاورمیانه شمالی نیز تهدیدهای امنیتی دارد. مهم‌ترین خوشه مرتبط با خاورمیانه شمالی از نظر ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی است که وارث جاده ابریشم و منابع غنی انرژی و پل ارتباطی آسیا و اروپاست. آسیای مرکزی برای خاورمیانه شمالی اهمیت راهبردی دارد^۱. جدول ۲، آخرین شاخص‌های کشورهای آسیای مرکزی را نشان می‌دهد:

۱. از نیمه قرن نوزدهم جغرافی‌دانان و سیاحان با توجه به عینیت‌های جغرافیایی و تقسیم‌بندی‌های اقلیمی بخش بزرگی از قاره آسیا را آسیای مرکزی نامیدند که شامل پنج کشور آسیای مرکزی کنونی، سین‌کیانگ چین، تبت شمالی، بخش غربی مغولستان، کشمیر و بخش شمال پاکستان، افغانستان و بخشی از شمال خراسان و مازندران ایران بود. روس‌ها در راستای جداسازی اقوام غیر روس از گذشته تاریخی خود کلمه آسیای میانه را با محدوده گسترده‌تر به‌جای لفظ تاریخی ماوراءالنهر برای منطقه ایجاد کردند (Shirazi, 2005: 113).

جدول ۲. شاخص‌های خوشه آسیای مرکزی:
سال ۲۰۱۰ (شاخص‌های اقتصادی برحسب دلار)

ترکمنستان	ازبکستان	تاجیکستان	قزاقستان	قرقیزستان	
۴۸۸۱۰۰	۴۴۷۴۰۰	۱۴۲۵۵۰	۲۷۲۴۹۰۰	۱۹۹۹۴۹	مساحت
۵۰۴۱۰۹۹۵	۲۸۰۵۶۲۰۴۰۰	۶۰۸۷۸۰۶۳۷	۱۶۰۳۲۳۰۲۸۷	۵۰۴۴۷۰۹۰۰	جمعیت
۲۰۴۴۰۰۸۳۰	۱۰۰۳۴۰۰۷۳۱	۱۰۸۲۲۰۸۳۹	۸۰۷۷۰۰۸۲۹	۱۰۹۲۳۰۳۲۷	جمعیت شهری
۶۵	۶۸	۶۷	۶۸	۶۹	امید به زندگی
۷۰	۸۷	۶۹	۹۳	۸۷	دسترسی جمعیت به منابع آب (درصد)
۳۱۱۵	۴۲۲۷	۶۲۱	۱۴۲۰۲	۴۱۷	خطوط راه آهن در کشور (کیلومتر)
۲۰۰۰۰۰۷۰۱۷۵۴	۳۹۰۳۳۲۰۷۷۱۰۰۱۴	۵۰۶۴۱۰۷۴۱۰۹۶۳	۱۴۸۰۰۴۷۰۳۴۸۰۲۴۱	۴۰۷۹۴۰۳۶۱۰۸۲۱	تولید ناخالص داخلی (GDP)
۱۰۰۳۴۷۰۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۲۶۹۰۰۱۷۰۴۶۶	۸۵۷۰۷۵۷۰۷۰۶	۶۵۰۰۷۳۰۹۵۸۰۸۰۷	۲۰۶۶۵۰۵۵۳۰۵۴۷	صادرات کالا و خدمات
۱۰۰۹۲۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۵۵۰۵۴۸۰۳۷۸	۳۰۴۴۴۰۴۷۷۰۹۵۸	۴۳۰۲۵۱۰۱۵۶۰۷۳۰	۴۰۱۱۵۰۹۰۴۰۲۷۵	واردات کالا و خدمات
۱۸۰۱۰۶۷۰۱۷۵۴	۸۲۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۵۰۷۸۷۰۶۰۰	۱۰۰۷۶۸۰۱۵۳۰۳۷۱	۴۳۷۰۵۸۶۰۱۰۰	درآمد ناخالص ملی (GNI)
۲۰۰۸۳۰۰۰۰۰۰۰	۸۲۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۵۰۷۸۷۰۶۰۰	۱۰۰۷۶۸۰۱۵۳۰۳۷۱	۴۳۷۰۵۸۶۰۱۰۰	سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) (جریانهای ورودی)

Source: www.worldbank.org/data; (Accessed on: 5/11/2013)

در نظریه‌های ژئوپلیتیک، حوزه آسیای مرکزی و قفقاز در پیوند با خاورمیانه بررسی شده است یا به عبارت دقیق‌تر، خاورمیانه شمالی در این حوزه قرار گرفته است. نیکولاس اسپایکمن، جغرافی دان دانشگاهی در آمریکا، بر این نظر بود که مناطق ساحلی اوراسیا - اروپای ساحلی، خاورمیانه، هندوستان، آسیای جنوبی و چین - به دلیل جمعیت و منابع و نیز استفاده از خطوط دریایی داخلی، کلید کنترل جهان هستند (Cohen, 2009: 57). جهان بینی ژئوپلیتیکی برژینسکی نیز بر نبرد میان قدرت زمینی اوراسیا و قدرت دریایی قرار داشت. از نظر وی، کلید مهار و جلوگیری از سلطه اتحاد شوروی بر جهان، در کنترل کشورهای محوری از سوی ایالات متحده است. وی این کشورها را به واسطه موقعیت جغرافیایی شان که به آنها توان به‌کارگیری نفوذ اقتصادی - نظامی می‌داد یا مکان‌های مهم ژئواستراتژیک نظامی تعریف می‌کرد (Cohen, 2009: 65). به صورت کلی پایان جنگ سرد و ظهور شش کشور جدید در همسایگی مرزهای خاورمیانه

شمالی و سپس تحولات جدید در افغانستان و عراق منجر به بروز تحولی اساسی در قوانین ژئوپلیتیک کشورهای منطقه (ترکیه، ایران، پاکستان، عراق و افغانستان) شده است. بنا به نظر جان گریس این قوانین شامل مجموعه‌ای از فرضیه‌های سیاسی و جغرافیایی است که سیاست خارجی یک کشور را پایه‌ریزی می‌کند؛ شامل تعریف منافع یک دولت، تهدیدهای خارجی نسبت به آن منافع، واکنش به این تهدیدها و سرانجام توجیه واکنش‌ها^۱ (Taylor, 1991: 56-57). تا پیش از سال ۱۹۷۹ قوانین ژئوپلیتیکی اعضای ستو براساس سیاست نبود وابستگی اقتصادی به اتحاد شوروی، از راه همکاری نظامی و اقتصادی با یکدیگر پایه‌ریزی شده بود. پس از انقلاب اسلامی ایران و حمله اتحاد شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹، اوضاع تاحدی پیچیده‌تر شد. ایران با خط‌مشی اسلامی نه شرقی نه غربی خود الگوی جنگ سرد را شکست و پاکستان نیز به‌عنوان یک کشور خط مقدم در برابر نیروهای اشغال‌گر اتحاد شوروی، رابطه‌ای متزلزل با اتحاد شوروی برقرار کرد. ترکیه نیز موضع خود را به‌عنوان نزدیک‌ترین پایگاه غرب به اتحاد شوروی و متحدان بعثی و قابل اعتماد آن در سوریه و عراق حفظ کرد. افغانستان و عراق نیز مسیرهای متفاوتی به‌کار گرفتند.

در چنین شرایطی برای همکاری‌های منطقه‌ای محیط مناسبی وجود نداشت. در سال ۱۹۹۱ هر سه کشور در برابر پیدایش یک خلأ ژئوپلیتیکی در سطح منطقه، شش کشور تازه استقلال یافته بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و افغانستان سراسر هرج و مرج قرار گرفتند. بنابراین نظام ژئوپلیتیکی جدید آن‌ها را مجبور می‌کرد که در راستای منافع حقیقی مشترک گام بردارند. فاکتورهای زیر را می‌توان به‌عنوان دلایل اصلی برقراری نظام جدید ژئوپلیتیکی برشمرد: ۱. ترکیه و پاکستان پس از فروپاشی یا عقب‌نشینی حامیان جنگ سرد از حمایت بیگانگان محروم شدند. ایران نیز که به‌شدت تلاش می‌کرد تا خود را از حلقه اتحاد شوروی و آمریکا دور نگه دارد، در اواخر جنگ سرد موقعیتی به‌شدت بی‌ثبات و متزلزل پیدا کرد؛ ۲. هر سه کشور با داشتن صنایع صادراتی، منافع مشترکی را در بازارهای جدید کشورهای شمالی بین خود تقسیم کردند؛ ۳. هر سه کشور به آب‌های گرم دسترسی دارند، درحالی‌که جمهوری آذربایجان، افغانستان و سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی به این آب‌ها دسترسی ندارند؛ ۴. هر سه کشور مرزهای نژادی مشترک دارند. با افغانستان، جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای مرکزی و با یکدیگر روابط تاریخی متقابل دارند و سرانجام اینکه منافع مشترک

1. Quoted from: Dvkrdyh, 1998: 147

به ضرورت ایجاد توازن در رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و ترکیه منجر خواهد شد. برخی احیای اکو در این حوزه را رویدادی مهم و برخوردار از حق انتخاب برای کشورهای منطقه بدون فشارهای سیستمی دانستند (Dvkrdyh, 1998: 147-149). جدول ۳، پیمان‌های موجود بین خاورمیانه شمالی و آسیای مرکزی را در مقایسه با سایر خوشه‌ها نمایش می‌دهد:

جدول ۳. ارتباطات حقوقی (پیمان‌های حقوقی امنیتی و اقتصادی مشترک درون‌شبکه‌ای و فراشبکه‌ای) خاورمیانه شمالی با آسیای مرکزی

کشورها	ایران	عراق	ترکیه	افغانستان	پاکستان	ترکمنستان	تاجیکستان	ازبکستان	قرقیزستان	قزاقستان	چین	هند
اکو	*		*	*	*	*	*	*	*	*		
پیمان شانگهای	عضو ناظر						*	*	*	*	*	
SAARC				*	*							*
D ۸	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		
سازمان همکاری اسلامی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		
بانک توسعه آسیایی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
بانک توسعه اسلامی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		
پیمان عدم تعهد	*	*	*	*	*	*	ناظر	*	ناظر	ناظر	ناظر	*

منبع: نویسندگان

اکو مهم‌ترین پیمانی است که این کشورها به‌جز عراق عضو آن هستند؛ درحالی‌که زمینه ورود عراق به اکو با توجه به پیوند گذشته این کشور با خاورمیانه شمالی در پیمان سعدآباد و بغداد و حضورنداشتن آن کشور در شورای همکاری خلیج فارس باوجود عرب‌بودن و تحولات جدید این کشور فراهم است. پایان یافتن جنگ سرد، موقعیت‌هایی را برای برقراری دوباره ارتباط طبیعی بین این کشورها فراهم آورد، البته چنین ارتباطی بدون وجود اکو نیز پدیدار می‌شد؛ چنان‌که در تلاش آن‌ها برای ورود به شانگهای می‌توان دید.

دیگر حوزه ژئوپلیتیکی که دو خوشه خاورمیانه شمالی و آسیای مرکزی را بهم مرتبط می‌کند، روابط نسبی هستند. نوعی روابط خونی، نژادی و دینی که در سابقه تمدنی، تاریخی،

مذهبی و قومیتی شباهت دارد. بر این اساس، کشورهای مسلمان در شبکه‌سازی منطقه‌ای در خوشه آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس و شبه‌قاره و خاورمیانه شمالی هستند. منطقه‌ای که خاستگاه تمدنی این کشورها بوده و هویت این کشورها را دربر گرفته است. خاورمیانه شمالی نزدیکی نژادی و مذهبی با آسیای مرکزی و قفقاز و نزدیکی مذهبی با خلیج فارس دارد. حوزه فرهنگی نروز این خوشه را بیشتر با آسیای مرکزی و قفقاز و شبه‌قاره متصل می‌کند. در آسیای مرکزی، قفقاز، شبه‌قاره و برخی کشورهای خلیج فارس به زبان فارسی صحبت می‌شود. بازیابی هویت گذشته از برنامه‌های بلندمدت هرکدام از این کشورهاست (Toyserkani, 2009: 28-29).

این ویژگی‌ها افزون بر گسترش همکاری‌ها، در برخی حوزه‌ها آسیب‌های امنیتی نیز ایجاد کرده است. اسلام‌گرایی افراطی و بحران‌های قومی، مشکلات امنیتی مهمی هستند که در این حوزه خاورمیانه وجود دارند. هرچند آسیای مرکزی در حاکمیت کمونیسم قرار داشت؛ ولی شاهد بروز تحولاتی در تأثیرپذیری از این جریان بود. پایان نظام دوقطبی و جنگ سرد، این شرایط را مهیاتر کرد (Koulaee, 2005: 284). کمک آن‌ها در حل این مشکلات امنیتی، سبب گسترش پیمان‌های امنیتی دوجانبه و چندجانبه از گذشته تاکنون شده است. این موضوع سبب شده است که هنوز سیاستگذاری در این منطقه براساس مکاتب ژئوپلیتیکی که مبتنی بر سنت واقع‌گرایی است، انجام شود و امنیت در دستور کار کشورهای این منطقه و در ارتباط آن‌ها با سایر حوزه‌های خاورمیانه باشد. بدین سان در بیشتر نظریه‌ها، از منظر امنیتی، خاورمیانه شمالی در پیوند با حوزه اوراسیا معرفی شده است.

ب) شبکه ژئواکونومیکی خاورمیانه شمالی و آسیای مرکزی در مقایسه با سایر حوزه‌ها

ارتباطات تجاری

جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاورمیانه شمالی، مرکزیت میانی آن را سبب شده است. این روند سبب شکل‌دهی بیشترین ارتباطات اقتصادی و حمل‌ونقلی این خوشه در درون خود و با سایر خوشه‌ها در شبکه خاورمیانه شده است. در یک رویکرد مقایسه‌ای این خوشه توانسته است تا منابع بیشتری از پیوندهای شبکه‌ای را به‌دست آورد. خاورمیانه شمالی در مقایسه با سایر حوزه‌های خاورمیانه در تجارت جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی سهم بیشتری دارد. بیشترین ارتباطات اقتصادی (واردات و صادرات) این خوشه، در درون خاورمیانه با شورای همکاری خلیج فارس است و در بیرون خاورمیانه، با هند و چین است. بیشترین

حجم صادرات و واردات در خاورمیانه نیز متعلق به این خوشه است. مرکزیت میانی آن در این شاخص‌ها سبب قطبیت آن شده است (جدول‌های ۴، ۵ و ۶).

جدول ۴. سنجش شاخص‌های کلان خاورمیانه شمالی با سایر حوزه‌های خاورمیانه در سال ۲۰۱۰

خوشه‌ها	آسیای مرکزی	قفقاز	خاورمیانه شمالی	شورای همکاری خلیج فارس	شامات	شمال آفریقا
جمعیت	۶۲.۲۵۴.۲۱۹	۱۶.۵۹۹.۲۰۴	۳۸۶.۶۳۴.۲۲۹	۴۳.۴۹۹.۵۷۱	۳۸.۳۴۴.۸۰۶	۱۶۵.۵۲۳.۹۱۸
درآمد سرانه (دلار)	۱۶.۵۴۰	۱۱.۱۲۸	۲۵.۲۵۶	۲۱۲.۸۷۷	۴۷.۴۶۶	۲۸.۵۴
GDP (هزار دلار)	۲۱۷.۸۱۶.۹۲۴	۷۲.۹۱۵.۴۴۰	۱.۳۹۱.۳۶۴.۴۵۹	۱.۰۹۰.۹۱۴.۸۲۰	۳۴۲.۳۲۲.۰۶۹	۵۷۸.۲۷۵.۲۶۴
صادرات به جهان (دلار)	۹۱.۲۱۳.۲۸۸.۵۲	۳۴.۵۴۱.۴۶۰.۳۹۸	۲۵۹.۷۸۸.۳۸۶.۲۶۰	۶۵۴.۸۷۸.۶۲۷.۶۰۷	۱۲۱.۸۵۹.۸۴۶.۳۷۸	۵۶۰.۷۱۴.۸۱۷.۸۱۲
واردات از جهان (دلار)	۷۲.۷۸۸.۰۸۷.۲	۲۰.۸۴۴.۶۸۴.۸۲۳	۳۴۶.۴۱۰.۳۰۷.۲۱۳	۴۶۱.۵۳۲.۷۶۸.۴۱۶	۱۲۲.۴۰۶۶۶۵.۱۹۱	۱۷۹.۶۴۰.۱۷۶.۶۲۸
FDI (دلار)	۱۴.۱۲۶.۵۲۷.۰۷۱	۱.۹۴۹.۹۰۰.۵۰۹	۱۶.۱۷۴.۹۵۵.۱۹۰	۳۳.۴۲۱.۲۸۷.۰۸۹	۱۲.۶۰۲.۶۸۶.۱۴۹	۱۳.۰۷۵.۰۹۲.۹۷۳
نرخ رشد (GDP)	٪۶/۴	٪۴/۳	٪۵/۰۴	٪۵/۸	٪۳/۴	٪۳/۴

Sources: 1. <http://www.world-fact-book,current economy profile> (accessed on: 5/10/2015)
2. www.world bank.org/data (accessed on: 5/11/2013)

این جدول نشان می‌دهد که خاورمیانه شمالی در بسیاری از شاخص‌ها از سایر خوشه‌ها پیشی گرفته است و مرکزیت میانی یا قطبیت را به دست آورده است.

جدول ۵. آمار واردات خوشه خاورمیانه شمالی از سایر خوشه‌ها در سال ۲۰۱۰ (واحد: هزار دلار)

شبه قاره	شامات	شمال آفریقا	آسیای مرکزی	شورای همکاری خلیج فارس	قفقاز	
واردات ایران از	۱۱۱۰۸۲	۱۷۱.۷۳۱	۳۹۲.۳۲۹	۱۶.۱۳۱.۲۲۳	۱۸۴.۵۱۸	۷.۰۶۸.۵۲۱
واردات عراق از	۳.۶۸۹.۴۲۱	—————	—————	—————	۳۹.۴۰۹	۴.۲۷۸.۰۹۶
واردات افغانستان از	۱.۳۰۰	۱.۲۰۱	۱.۵۱۱.۱۳۵	۱۵۹.۲۶۶	۸.۳۰۵	۸۱۶.۷۵۲
واردات پاکستان از	۲۸.۳۷۳	۵۱۳.۴۸۸	۹۲.۳۲۶	۱۲.۲۹۴.۵۹۲	۵۷۴	۶.۸۰۷.۶۳۴
واردات ترکیه از	۲.۲۹۳.۲۷۶	۴.۳۰۴.۵۸۸	۴.۰۳۳.۳۷۱	۳.۶۳۸.۲۸۶	۱.۱۵۸.۴۸۲	۲۰.۵۹۰.۷۴۴
واردات خاورمیانه شمالی از	۶.۱۲۳.۴۵۲	۵.۳۹۴.۵۳۵	۶.۰۴۹.۰۴۹	۳۲.۳۵۳.۰۸۰	۱.۳۹۱.۲۸۸	۳۹.۵۶۱.۷۴۷

Source: [www.trademap.org / import](http://www.trademap.org/import) : (Accessed on: 5/11/2013)

جدول ۶. آمار صادرات کالا از کشورهای خوشه خاورمیانه شمالی به سایر خوشه‌ها در سال ۲۰۱۰
واحد: هزار دلار

شبه قاره	شامات	شمال آفریقا	آسیای مرکزی	شورای همکاری خلیج فارس	قفقاز	
صادرات ایران به	۴۷۷.۱۴۷	۱۲۵.۲۳۰	۷۶۰.۵۷۹	۳.۹۲۷.۹۲۸	۵۶۲.۶۴۹	۶.۱۲۳.۸۰۹
صادرات عراق به	۲۲۰.۹۷۵	—————	—————	—————	۲۷۹	۱۳.۵۶۶.۷۱۴
صادرات افغانستان به	۹۷۰	۳.۸۳۳	۱۷.۲۰۴	۷.۷۴۷	—————	۷۷.۰۵۰
صادرات پاکستان به	۶۷.۹۰۰	۱۸۰.۱۷۵	۱۲.۰۹۳	۲.۶۶۲.۸۶۹	۸.۵۲۴	۱.۷۱۰.۹۲۷
صادرات ترکیه به	۵.۱۲۳.۴۵۰	۷.۰۴۰.۹۲۷	۲.۵۱۵.۳۶۳	۶.۴۱۵.۹۳۷	۲.۳۲۰.۶۷۰	۲.۸۶۶.۶۲۰
صادرات خاورمیانه شمالی به	۸.۸۹۰.۴۴۲	۸.۰۶۱.۹۱۱	۳.۳۰۵.۲۳۹	۱۳.۰۱۴.۵۲۲	۲.۸۹۲.۱۲۲	۲۴.۳۴۵.۱۲۰

Sources: [www.trademap.org / export](http://www.trademap.org/export) : (Accessed on: 5/11/2013)

این جدول‌ها نشان می‌دهند که خاورمیانه شمالی از نظر صادرات و واردات کشش‌پذیری کمی با آسیای مرکزی دارد و شبه قاره هند و شورای همکاری خلیج فارس در رده‌های نخست قرار دارند. این برخلاف ظرفیت و کشش‌پذیری بازار آسیای مرکزی برای خاورمیانه شمالی است. این جدول‌ها همچنین نشان می‌دهند که خوشه خاورمیانه شمالی از نظر شاخص‌های اقتصادی، به یک حوزه پیش‌رو در خاورمیانه تبدیل شده است. این روند، نوعی وابستگی متقابل را بین خاورمیانه شمالی و آسیای مرکزی، شورای همکاری خلیج فارس در درون شبکه خاورمیانه و با هند و چین در ارتباطات فرامنطقه‌ای ایجاد کرده است.

۱. ارتباطات انرژی

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های انرژی جهان، بیضی راهبردی انرژی است که جفری کمپ از دانشمندان ژئوپلیتیک آمریکایی آن را ناظر به حوزه آسیای مرکزی، قفقاز و خلیج فارس می‌داند. همین منطقه جزئی از هارتلند مکیندر، ریملند اسپایکمن و تأکید برژینسکی بر بازی هژمونیک آمریکا در اوراسیا است (Brzezinski, 1999: 28). آنچه آسیای مرکزی را با خاورمیانه شمالی به‌عنوان دو حوزه مهم از بیضی راهبردی انرژی پیوند می‌دهد، بیشتر از آنکه ذخایر انرژی و تولید آن باشد، حمل‌ونقل انرژی است که در حال حاضر اهمیتی مهم‌تر از تولید آن در جهان پیدا کرده است. بنابراین، با اهمیت یافتن نفت و گاز در تحولات جهانی، حوزه خاورمیانه شمالی در کانون منطقه‌ای قرار گرفته که در تولید (ایران، عراق) و در انتقال (پاکستان، افغانستان و ترکیه) انرژی نقشی اساسی بازی می‌کنند. موقعیت راهبردی خوشه خاورمیانه شمالی در ارتباط دادن دو حوزه مهم انرژی دریای خزر و خلیج فارس نیز مهم‌اند. ایران و عراق مهم‌ترین تولیدکننده انرژی در این حوزه قرار دارند که در مجموع ۲۰ درصد از ذخایر نفت جهان را دارند و در سال ۲۰۱۰ نزدیک به هشت میلیون بشکه نفت تولید کردند (BP, 2009). Statistical Review of World Energy, 2009 این آمار در سال ۲۰۱۳ به ترتیب به ۹/۴ و ۸/۶ درصد و ۱۸ درصد ذخایر جهان رسیده و این دو کشور هفت میلیون بشکه نفت تولید کرده‌اند (www.world-fact-book,current economy profile, 2014).

تلاش برای ساخت خط لوله صلح (خط لوله انتقال گاز ایران به پاکستان و هند) و خط لوله انتقال گاز ترکمنستان از راه افغانستان و پاکستان به هند، خط لوله گاز ایران به ترکیه، خطوط لوله انتقال نفت عراق و انتقال انرژی آسیای مرکزی از راه ایران، این حوزه را به قطب انتقال انرژی جهان تبدیل کرده است. کشورهای آسیای مرکزی همه دارای منابع نفت و برخی دارای منابع گاز و زغال سنگ هستند. راه‌حل منطقی ارتباط دادن این جمهوری‌ها و افغانستان به خلیج فارس، از راه ایران است (Mojtehdzadeh, 1992: 397)؛ هرچند در حال حاضر ترکیه خود را به‌عنوان هاب انتقال انرژی معرفی کرده است. بنابراین، این مسئله فراتر از هر چیز دیگر نشانی از ظهور یک ژئوپلیتیک جدید در منطقه است (Dvkrdyh, 1998: 158).

جدول ۷. میزان ذخایر و صادرات انرژی حوزه خاورمیانه شمالی در مقایسه با سایر حوزه‌ها

نفت	خاورمیانه شمالی	خلیج فارس	آسیای مرکزی	قفقاز	شمال آفریقا	شامات
حجم ذخایر (میلیارد بشکه)	۲۵۳/۲۹	۴۹۶/۴۲	۴۱/۰۵	۷/۰۳	۶۱/۶	۲/۵
میزان صادرات (بشکه در روز)	۴.۷۹۱.۲۹۰	۱۱.۶۳۲.۲۰۰	۱.۶۰۲.۹۵۵	۶۵۱.۷۰۰	۳.۵۲۸.۲۰۰	۳۴۹.۰۱۰

گاز	خاورمیانه شمالی	خلیج فارس	آسیای مرکزی	قفقاز	شمال آفریقا	شامات
حجم ذخایر (میلیارد مترمکعب)	۳۳.۶۹۰	۴۲.۵۷۰	۱۱.۶۰۰	۱.۳۱۰	۸.۲۳۰	۲۸۰
میزان صادرات (میلیارد مترمکعب)	۸/۵۱۹	۱۱۳/۳۶	۴۳/۱	۵/۹۳	۸۳/۴۹	—

Sources: 1. [www.British Petroleum.org/](http://www.BritishPetroleum.org/) 2010

2. www.cia.gov/the-world-factbook/2010

3. [www.theodora.com/world-fact-book,current economy profile](http://www.theodora.com/world-fact-book,current%20economy%20profile) (Accessed on: 5/11/2013)

۲. ارتباطات حمل و نقل

ارتباطات حمل و نقل خوشه خاورمیانه شمالی نیز متفاوت از سایر خوشه‌های خاورمیانه است. مناطق مهم آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای جنوبی و آسیای شرقی و شورای همکاری خلیج فارس حلقه‌های ارتباطی حمل و نقل آن هستند. جاده ابریشم قدیم با مرکزیت این کشورها، ارتباط دهنده آن‌ها با این مناطق بود که چین را از این کشورها به مدیترانه وصل می‌کرد. جاده ابریشم، آسیا را از راه خشکی طی می‌کرد؛ طول راه‌های آن بالغ بر ۸۰۰۰ کیلومتر بود (Zand Moghadam & Salmanian, 2010: 3-8). کشورهای خاورمیانه شمالی در کانون این مسیر تجاری قرار دارند. در این صورت افغانستان که در چهارراه مسیرهای بازرگانی قرار دارد، می‌تواند نقش یک گذرگاه مهم حمل و نقل را بین آسیای مرکزی و اقیانوس هند بازی کند. طولانی‌ترین بخش از مسیر، بین دو شهر تاشکند و کراچی از افغانستان می‌گذرد. امور حمل و نقل به گونه‌ای نمادین در شهر پیشاور و اطراف آن تقریباً به شکل کامل توسط افغان‌ها اداره می‌شود (Dvkrdyh, 1998: 153-154). هندیان در طول تاریخ از راه این حوزه ارتباطات خود را شکل می‌دادند. این خوشه، حلقه پیوند آسیای

مرکزی و قفقاز به شبه قاره و خلیج فارس نیز هست. مسیرهای مختلف حمل و نقلی خاورمیانه شمالی به این شرح است (Lotfian, 2012: 105-106):

- موافقت نامه مسیرهای شمال - جنوب بین روسیه، ایران و هند در سال ۲۰۰۰ امضا شد و تاکنون پانزده کشور شمال اروپا، آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا موضوع پیوستن به این موافقت نامه را در دستور کار دارند؛

- برنامه راه آهن سراسری آسیا که با راهروهای مختلف از این منطقه می گذرد؛

- راهروی شمال - جنوب که روسیه و کشورهای اسکاندیناوی و کشورهای شمال اروپا را از راه ایران به کشورهای خلیج فارس، شبه قاره و آسیای شرقی متصل می کند؛

- مسیر حمل و نقل شرق و غرب: چین، افغانستان، ترکمنستان، ایران و عراق و ترکیه را به اروپا وصل می کند و جایگزین جاده ابریشم باستانی می شود؛

- مسیر حمل و نقلی شبه قاره هند به مدیترانه و اروپا که از خاورمیانه شمالی می گذرد.

به شکل کلی کشورهای آسیای مرکزی با کشورهای همسایه هم جوار خود، شانزده مرز جاده ای و چهار مرز ریلی در راهروهای جنوبی و شرقی دارند که امکان رفت و آمد و حمل و نقل را فراهم می کند. آسیای مرکزی، ستون فقرات و شاهراه شرق - غرب (آلماتی - استانبول) به شمار می آید و می تواند بین چین و ترکیه را پیوند برقرار کند. این مسیر در کل ۵۹۰۷ کیلومتر طول دارد و می تواند از سه نقطه مختلف مرزی (سرخس، گودان و گودریولوم) بین ایران و ترکمنستان استفاده کند. اهمیت این مسیر در سال ۱۹۹۲ در توافق نامه ای بین هفت کشور عضو اکو (ایران، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ترکیه و پاکستان) مورد شناسایی و حمایت قرار گرفت (Mohseni, 2011: 142).

بدین سان در بعد ژئواکونومیک می توان به این مسئله اشاره کرد، از آنجا که کشورهای خوشه خاورمیانه شمالی، به جز عراق عضو سازمان اکو هستند؛ بنابراین بازار اکو، بر محدوده جغرافیایی و تاریخی گسترده ای منطبق است که مکنندر آن را یک منطقه مهم و حیاتی یا به عبارتی نقطه اتکای تاریخ جهان معرفی می کند (Dvkrdyh, 1998: 150). در بعد ژئواکونومیک نیز می توان افزود که با احیای راهروی قدرت و ثروت آفرین جاده ابریشم، افغانستان، ایران و کشورهای آسیای مرکزی می توانند از سه عمق راهبردی و پویای جهان امروز - نخست از مسیر غربی: از مسیر ایران، ترکیه و اروپا و دوم از مسیر ایران، کشورهای عربی و آفریقایی و سرانجام در شرق: مسیر تاجیکستان، چین و فراسوی آن، در جهت رشد و پیشرفت اقتصادی خود بهره ببرند (Khojastehnia, 2010: 161).

نتیجه

خاورمیانه به عنوان یک محیط آشوب و بدون معیار در نظریه‌های روابط بین‌الملل تاکنون نتوانسته است مسیرهای همکاری را شکل دهد؛ اما خوشه‌بندی آن و گسترش ارتباطات در درون و بین این خوشه‌ها، می‌تواند آن را از بی‌ثباتی‌های زیاد دور کند. می‌توان حدس زد که پیدایش یک خوشه پیشرفته در خاورمیانه به پیشرفت و رشد اقتصادی آن کمک کند و در صورت تأثیرهای سودمند، به سایر خوشه‌ها نیز سرایت کند. آنچه در این نوشتار بر آن تأکید شد، ارتباط امنیتی و اقتصادی بین خوشه خاورمیانه شمالی با آسیای مرکزی در مقایسه با سایر خوشه‌های خاورمیانه است تا وابستگی متقابل این خوشه با سایر خوشه‌ها مشخص شود. پنج کشور ایران، ترکیه، عراق، افغانستان و پاکستان در امتداد جغرافیایی یکدیگر قرار دارند و در شماری از پدیده‌های محیطی مهم (جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، و اقتصادی) اشتراک دارند. بدین ترتیب خوشه نوینی را در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه، با عنوان خوشه خاورمیانه شمالی شکل داده‌اند.

بنابر آمارهای ارائه شده، چنین استفاده می‌شود که کشورهای خوشه خاورمیانه شمالی، بیشترین شدت ارتباطات درون‌شبکه‌ای و فراشبکه‌ای را با کشورهای حوزه آسیای مرکزی و شبه‌قاره دارند. ارتباطات آن‌ها با خوشه آسیای مرکزی از نوع خویشاوندی و رابطه‌ای است و با هند و چین از نوع رابطه‌ای است.

به شکل کلی، کشورهای خوشه خاورمیانه شمالی، آسیای مرکزی و شبه‌قاره، به عنوان شبکه‌های متداخل - به دلیل تلاقی سه نوع مرزبندی ژئوپلیتیکی (مرزبندی براساس جغرافیا)، ژئواکونومیکی (مرزبندی‌های کارکردی در حوزه اقتصاد، حمل‌ونقل و انرژی) و ژئوکالچری (مرزبندی براساس ویژگی‌های فرهنگی مشترک با هم) - در شبکه منطقه‌ای ترسیمی خاورمیانه محسوب می‌شوند که با توجه به حجم بالای کنش‌ها و تعاملات موجود در خوشه شمالی خاورمیانه با کشورهای آسیای مرکزی و شبه‌قاره، می‌توان به چشم‌انداز فرایند همگرایی منطقه‌ای در میان این کشورها سرعت بخشید. این مسئله، تجلی یکی از آثار دینامیک‌های درونی شبکه خواهد بود که بنابر آن، واحدهایی که به خوبی بهم پیوند خورده باشند، منافع بیشتری را از پیوندهای شبکه‌ای به دست خواهند آورد. این خوشه توانسته است یکی از ضعف‌های مهم خاورمیانه، یعنی ضعف پیوندهای راهبردی اقتصادی را جبران کند. خاورمیانه شمالی این ظرفیت را دارد که از فشارهای هژمون بکاهد و جریان اطلاعات و ارتباطات را تسهیل کند.

References

1. Abbasi, Ebrahim (2014), "The North Middle East: A New Structure for Cooperation in the Regional Network of the Middle East", **Global Politics Quarterly**, Vol.3, No.1 (7), pp.115-159.
2. Brzezinski, Z (1999), **Game Plan; How to Conduct the U.S. – Soviet Contest**, Translate by M. Rezaeian, Tehran: Office of Political and International Studies.
3. Carkoglu, A & Eder & Kirisci (1998), **The Political Economy of Regional Cooperation in the Middle East**, New York: Routledge.
4. Cohen, S.B. (2009), **Geopolitics of World System**, Translated by Abbass kardan, Tehran: Abrare Moaser Institute.
5. Doak, J & Karadimitriou (2007), "Development, Complexity & Network: A Framework For Research", **Urban Studies**, Vol.44. No.2, pp.209-229.
6. Dvkrdyh, Bruno (1998), "Organization for Economic Cooperation: Rise of the New Silk Road on the Ruins of the Cold War?" , Translated by Amir Homayoun Saffarzadeh, **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol.7, No.3(22), pp:145-163.
7. Fuller. G.E. (1998), **The Center of The Universe: The Geopolitics of Iran**, Translated by A. Mokhber, Tehran: Markaz.
8. Ghasemi, F (2005), "Geopolitical Model of Regional Security: A Case Study of the Middle East", **Geopolitics**, Vol.6, No. 2(18), pp.57-94.
9. Ghasemi, F & S.J.Salehi (2007), **Theoretical Approach on Persian Gulf & Its Problems**, Tehran: Center for Scientific Research and Middle East Strategic Studies.
10. Ghasemi, F. (2011), **Theories of International Relations and Regional Studies**, Tehran: Mizan Legal Foundation.
11. Hafner-Burton, Emilie & Kahler, Miles & Montgomery, Alexander. (2009), "Network Analysis for International Relations", **International Organization**, Vol.63, No.3, pp.559-592.
12. Hakimian, H. (2005), **The Middle East and West of Asia**, in Collection of Hakimian & Moshaver, Z (2005) State and Global Evolution: The Political Economy of Transition in the Middle East, Translated by, Hatami Tehran : Kavir Publication.
13. Kemp, J and Saunders (2005), "America, Russia and the Middle East: Challenges and Opportunities", Translated by Salehi, **Regional Studies**, Vol.6, No. 23 & 24, pp.63-96.
14. Khojastehnia, H. (2010), Iran, Afghanistan, the Rail Connection; Introduction to Multidimensional Mechanism for Regional Cooperation, **Foreign Relations**, Vol.2, No.5, pp.155-197.
15. Koulaee, E (2005), "Fields of Islamic Fundamentalism in Central Asia", **Political Science**, Vol.67, No.1, pp.201-224.
16. Lotfian, Z (2012), **Iran's Strategic Overlapping Network Impact on Its Regional Diplomacy**, M. A. Thesis, Shiraz University, Faculty of Law and Political Sciences.
17. Mohseni, R (2011), "The Role of Transportation and Transition of Goods in Iran's Economy, Case Study: CIS", **Parliament and Research**, Vol.18, No.66, pp.109-145.

18. Mojtehdzadeh, P. (1992), **Countries and Borders in the Geopolitical Region of Persian Gulf**, Translated by Malek Mohammadi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
19. Nasiri, H. (2008), "The Study of the Position of Iran and the Rival Countries in World & Regional Trades (with Emphasis on the Development of the East)", **Politics Quarterly**, Vol.38, No.3, pp.349-377.
20. Nuri Ozlap, O. (2011), "Where is the Middle East? The Definition and Classification Problem of the Middle East as a Regional Subsystem in International Relations", **Turkish Journal of Politics**, Vol.2, No.2, pp.5-21.
21. Shirazi, A & Ghorbani & Simbar (2011), **Politics and Government in the Middle East**, Tehran: Samt and TarbiatMoalem University.
22. Shirazi, A (2005),"The Development of Relations between Iran and Central Asia, Providing Strategies", **the Journal of Geography and Development**, Vol.3, No.5, pp.111-140.
23. Taylor,P.J. (1991), **Political Geography, World-Economy, Nation-state & Locality**, Harlow: Longman.
24. Toyserkani, M. (2009), "Analysis of the Soft Power of the Islamic Republic of Iran in Central Asia by Comparison with the Middle East", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol.15, No.67, pp.21-56.
25. Wasserman,S & Fasut (1994), **Social Network Analysis: Methods & Applications**, Cambridge: Cambridge University Press.
26. ZandMoghadam, M. & Salmanian (2010), **Reviving the Silk Road and Its Role in the Development of Islamic Global Markets**, in 4th International Congress of the Islamic Word Geographers, pp.1-13.
27. <http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=2&Topic=3> (Accessed on: 5/11/2013).
28. <http://farsi.tpo.ir/index.aspx?siteid=1&fkeyid=&siteid=1&pageid=352> (Accessed on: (5/11/2012).
29. [http://www.trademap.org/export & import](http://www.trademap.org/export&import) (Accessed on: 5/11/2013).
30. http://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx?nvpm=1||21559||21559|TOTAL||2|1|1|2|1|1|1| (Accessed on: 5/11/2013).
31. http://www.theodora.com/world-fact-book,current_economy_profile (Accessed on: 5/11/2013).
32. <http://www.economy.gov.tr/index.cfm?sayfa=countriesandregions&country=A F®ion=5> (Accessed on: 6/9/2011).
33. <http://www.tccb.gov.tr/pages/visits/tap> (Accessed on: 6/9/2011).
34. <http://www.mfa.gov.tr/sub.en.mfa?76d62f3c-2909-437e-ad13-8d08282270ce> (Accessed on: 6/9/2011).
35. http://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-world-energy/oil-review-by-energy-type.html&....._natural-gas-review-by-energy-type.html (Accessed on: 5/11/2013).
36. http://www.world-fact-book,current_economy_profile (Accessed on: 5/10/2015).
37. http://www.theodora.com/wfbcurrent/iran/iran_economy.html (Accessed on: 5/11/2013).